

گونه‌شناسی فعالیت‌های آموزشی عصر امامین کاظمین (ع) در توسعه‌ی حیات علمی و دینی شیعیان امامیه

اسماعیل کاظمی زرومی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۶

چکیده

یکی از مؤلفه‌های سنجش ظرفیت تمدنی و رشد علمی و معنوی و نقش آن در هدایت جامعه به سوی سعادت و برون‌رفت از بحران‌ها، بررسی ساختار و وضعیت کمی و کیفی نظام آموزشی است. نظام آموزشی در هر مذهبی با یک ساختاری فعالیت و ادامه‌ی حیات می‌دهد و به تداوم نقش خود می‌پردازد. شیعیان نیز همانند دیگر مذاهب دارای نظام آموزشی مخصوص بوده و برای ادامه‌ی حیات و هویت خویش فعالیت‌های گسترده‌ای را به صورت سازمان‌یافته انجام داده‌اند. در پژوهش حاضر جهت بررسی این نقش در یکی از بحرانی‌ترین دوران عصر ائمه‌ی اطهار (ع) یعنی عصر امامین کاظمین (ع) که هر دو و اصحاب آنان در فضای تقیّه‌ی سیاسی به سر می‌بردند، به بررسی فعالیت‌های آموزشی آنان پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که ائمه اطهار در عصر امامین کاظمین (ع) به یاری اصحاب خود فعالیت علمی و آموزشی را ادامه داده و مایه‌ی حیات و هویت شیعه و تمایز این مذهب از دیگران بوده و از ممزوج شدن آن جلوگیری کردند.

واژگان کلیدی: شیعیان امامیه، عصر کاظمین، فعالیت‌های آموزشی، گونه‌شناسی

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب

مقدمه

هویت تاریخی هر جامعه‌ای در قالب فرهنگ و تمدن آن جامعه بروز و ظهور یافته و دستیابی به این هویت، از طریق شناخت فرهنگ و تمدن مذکور میسر می‌گردد. جهان اسلام نیز با پشتوانه تاریخی در توسعه‌ی فرهنگی و تمدنی، از چهره‌ای درخشان و هویتی ارزنده در طول تاریخ بشری برخوردار است که تبیین جنبه‌های مختلف آن برای نسل‌های جدید به منظور ایجاد آگاهی بیشتر نسبت به تاریخ و هویت اجتماعی‌شان ضروری است تا از این طریق بتوان راه نفوذ و سلطه‌ی اندیشه‌های بیگانه را بست.

در میان ابعاد و جنبه‌های گوناگون فرهنگ و تمدن، آموزش علم و ادب (نظام آموزشی) به عنوان مؤلفه‌ای مهم، همواره مورد توجه بوده و امروزه نیز معیار توسعه‌یافتگی جوامع به‌شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین دلایل آن، نقش بنیادی آموزش در تربیت انسان و در نتیجه شکل‌گیری، توسعه‌ی فرهنگ و تمدن در جوامع اسلامی است. بنابراین، در تمدن اسلامی که بر پایه‌ی تعلیم و تربیت دین‌محور بنا گردیده، این مقوله از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است؛ زیرا توانسته است جامعه‌ی اسلامی را به لحاظ علمی، رشد و توسعه بدهد.

اسلام برای ابلاغ رسالت الهی با هدف تربیت علمی و دینی مردم، از یک نظام آموزشی متعالی برخوردار بوده است. مذاهب اسلامی نیز هر کدام با به‌کارگیری آن تلاش کرده‌اند تا بستر رشد و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم کنند، اما با توجه به تفاوت بنیادی نظام فکری و اعتقادی شیعیان با دیگر مذاهب و فرق اسلامی، و روند گسترش انحراف در اهداف، مبانی و محتوای آموزشی دیگر فرق غیر شیعی، شیعیان، نظام آموزش خاصی - که منبعث از کتاب و سنت است - در سطوح عالی را طراحی کردند تا علاوه بر تبلیغ اسلام ناب، زمینه‌ی تعالی و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی و گسترش تشیع را فراهم کنند. اما به علت ضعف پژوهش در این زمینه و غرض‌ورزی برخی مخالفان در معرفی غیرواقع‌بینانه نظام علمی و آموزشی شیعه، بستری گردید تا برخی از مستشرقان و اهل سنت تصور کنند که شیعیان در ساختار تمدن اسلامی، به‌ویژه در پی‌ریزی نظام آموزشی، نقش مهمی نداشته و در سیر

آموزش و توسعه‌ی علوم، وامدار دیگران بوده‌اند و یا اینکه همه‌ی تلاش‌های آموزشی جهان اسلام متعلق به اهل سنت بوده است. اکنون بر پایه‌ی این شبهات و ابهامات، در این پژوهش تلاش بر آن است تا ابعاد مختلف این موضوع با تکیه بر دوره‌ی امامین کاظمین (ع) و شیعیان آنان که یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخ زندگانی ائمه اطهار (ع) به حساب می‌آید بررسی و به این سؤال اساسی پاسخ داده شود، که وضعیت نظام آموزشی شیعیان امامیه در این دوره از چه وضعیتی برخوردار است؟ آیا آنان در آن شرایط سخت توانسته‌اند به امر آموزش دین و انتقال آموزه‌های علمی به شیعیان کار نظام‌مندی را انجام دهند.

روش

برای دست‌یابی به نتیجه مطلوب، روش پژوهش مبتنی بر مطالعه ساختار تحقیق در نظام آموزشی و فعالیت‌های این نهاد اجتماعی است. بر اساس این ساختار به گردآوری داده‌های منابع حدیثی و تاریخی با روش کتاب‌خانه اقدام و در نهایت به ارائه‌ی توصیف و تحلیل گونه‌های فعالیت آموزشی پرداخته می‌شود.

تبيين نظام آموزشی شیعه‌ی امامیه. ائمه‌ی اطهار (ع) به‌عنوان جانشینان بر حق رسول خدا (ص)، بر اساس همان شیوه نبوی آموزش دین را به‌عنوان اولین اولویت در دستور کار خود قرار دادند. آنان در دو بُعد به امر آموزش توجه کردند. در یک بُعد، به ترویج فرهنگ کسب دانش به‌ویژه علوم دینی و نقش آن در هدایت مادی و معنوی بشر پرداختند، و در بُعد دیگر، به‌طور جدی و عملیاتی به آموزش مردم پرداختند.

از منظر شیعیان بر اساس ادله‌ی عقلی و نقلی، امامان شیعه (ع) به‌عنوان جانشینان رسول خدا (ص) دارای وظایفی در اداره‌ی امور جامعه‌ی مسلمانان هستند. یکی از این وظایف مهم و کلیدی بر اساس اصل جاودانگی اسلام، آموزش و تربیت دینی و علمی مردم است. امام، نه تنها رئیس اداری، قضایی و نظامی امت است، بلکه معلم و مربی مردم در امور تربیتی نیز هست؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی (ع) نیز در خصوص شرح وظایف حاکم اسلامی، آموزش و پرورش علمی و دینی را اصلی‌ترین حقوق مردم بر امام و حاکم اسلامی می‌داند تا جاهل نمانند. (سید رضی، ۱۴۱۴ ق: خطبه ۳۴) «ما پرورش یافته خداییم و مردم پرورش یافته

ما هستند» (همان، نامه: ۲۸). «امام و حاکم اسلامی موظف است معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۲/۲۹). «نباید والی در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید، و نه کسی باشد که سنت را فرومی‌گذارد تا امت را به هلاکت اندازد». «هرآینه، آنچه بر عهده امام است، این است که آنچه را خداوند به او فرمان داده به‌جا آورد؛ چون رساندن مواعظ و سعی در نیکوخواهی و احیای سنت پیامبر و اقامه‌ی حدود خدا بر کسانی که سزاوار آن هستند. پس به تحصیل علم بشتابید» (سید رضی، ۱۴۱۴ ق: خطبه‌ی: ۱۳۱، ۱۰۹).

نباید تعجب کرد که رهبران حکومت‌ها خود به کار آموزش اشتغال داشته‌اند؛ زیرا تعلیم به‌عنوان جزئی از وظایف محوله و برنامه‌های اجرایی آنان و از جمله ضروریات دعوت به‌شمار آمده است. به‌این ترتیب، تعلیم به‌منزله‌ی کاری ضروری و از جمله واجبات رهبر اسلامی در برابر امت مسلمان و از وظائف اصلی آنان بوده است (غنیمه، ۱۳۸۸). زیرا ائمه‌ی اطهار (ع)، آموزش علوم الهی را که به آن‌ها احاطه داشتند، به‌مثابه رساندن رسالتی که خداوند ابلاغ آن را از رسول خدا (ص) خواسته است، می‌دانستند (صفار ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۹۹).

ضرورت جاودانگی دین اسلام، حیات و استمرار آن ایجاب می‌کند تا بعد از رحلت رسول خدا (ص) امر آموزش دین به مردم استمرار یابد. به همین دلیل ایشان نظام «امامت» را به‌عنوان مسئول و متولی نظام آموزشی، معرفی و جایگزین کردند؛ نظامی که متولی آن به ضرورت عقل باید عالم، معصوم، زعیم سیاسی و دینی مردم باشد. به‌عبارت‌دیگر، امام عالم به شریعت و معصوم از خطا می‌تواند قرآن را تفسیر و نیازهای فقهی و دینی مردم را بیان کند، تا جامعه دچار تحیر نشود (مفید، المقنعه، ۱۴۱۳ ق: ۳۲؛ همو، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ ق: ۶۵). لذا کسی غیر از ایشان صلاحیت پاسخگویی به نیازهای علمی جامعه را ندارد. بنابراین، تمییز دهنده بین شیعه و دیگر فرق، عصمت و علم الهی امام است.

شیعیان در طول تاریخ امامان (ع) خویش را به‌عنوان چهره‌ای که در ترویج و تعلیم مذهب نقش کلیدی داشته و شاگردان بسیاری را تربیت کرده است، می‌شناسند. ائمه‌ی اطهار (ع) با توجه به وضعیت علمی و فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی اسلامی و در نظر گرفتن نقش حاکمان اموی و عباسی در بدیل‌سازی علمی و فرهنگی برای کمرنگ کردن و حذف باورهای شیعه،

نظام آموزشی شیعه را بعد از رحلت رسول خدا (ص) طرّاحی کرده و در تداوم آن کوشیدند. برای اثبات مدّعا لازم است تا ادله‌ای بر پایه‌ی حدیث «ادب جعفر»، و احادیث ارجاع شیعیان به شاگردان، ارائه گردد.

از مضمون حدیث برمی‌آید که زید شَحّام طبق معمول، همانند خیلی از اصحاب دیگر در مدینه خدمت امام صادق (ع) رسیده و توصیه‌هایی را دریافت کرده است. امام (ع) به او می‌فرماید: به هر کس از مردم - کوفه - که فکر می‌کنی از من اطاعت کرده و به گفتار من عمل می‌کند، سلام من را برسان (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶۳۶/۲). امام (ع) به وی توصیه می‌کند که باید درس بخوانی، ولی شرط آن این است که از ما پیروی کنی. در این قید علی‌القاعده باید پیش کسی درس بخوانی که من را به‌عنوان امام قبول داشته و نظریات من را پذیرفته و تدریس می‌کند. بنابراین، معنای سخنان امام آن است که چنین نظامی در عصر صادقین (ع) شکل گرفته است، لذا امام به زید می‌گوید: «لازم نیست پیش من درس بخوانی» (همان).

از دیگر ادله‌ی اثبات وجود نظام آموزشی شیعه و تفاوت آن با نظام آموزشی عامّه، روایاتی است که در آن امام صادق (ع) با استناد به روایات کتاب «جامعه» تألیف امیرمؤمنان علی (ع) که به املاء رسول خدا (ص)، حاوی احکام حلال و حرام و برخی موضوعات دینی و تاریخی بود، به بطلان باورهای فقهی ابن شُبْرُمَه سَنّی پرداخت (صفار، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۵/۱-۱۴۷). یا شریک‌بن عبدالله قاضی کوفه (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۳۸۵/۱)، ابوحنیفه و ابن ابی‌لیلا از علمای اهل سنت در پی ناتوانی از پاسخ به مسائل علمی به شیعیان از جمله محمد بن مسلم (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ص ۳۲۴) مراجعه می‌کردند. اهل بیت (ع) برای تشخیص روایات شیعه از غیر آنان مختصاتی را بیان می‌کردند (حر عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۱۲۲/۲۷). گزارش‌هایی نیز حکایت از آن دارد که ساختار آموزش شیعه امامیه از همان آغاز امر امامت برقرار بود که ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاصی داشت (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۶۹/۱-۱۷۰) و نیز تفاوت اساسی با نظام آموزشی اهل سنت داشته است (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۶۱۰/۲). مانند خطاب امام صادق (ع) به عبدالرحمن بن حجاج در مناظره با اهل مدینه و سخنرانی برای آنان با تکیه بر آموزه‌های شیعی (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۷۴۱/۲)، یا تأکید امام کاظم (ع) به محمد بن حُکیم که فرمودند: در مسجد رسول خدا (ص) بنشیند و با مردم به گفتگو بپردازد؛ چون وی بازمی‌گشت حضرت

درباره‌ی سخنانش از او سؤال می‌کردند که چه گفتی و آنان چه گفتند؟ (همان، ۷۴۶/۲). در این دو روایت، شیعیان به‌عنوان آموزگاران دست‌پرورده اهل بیت (ع) مأموریت ابلاغ آموزه‌های شیعی، دفاع، تبیین و ابطال آموزه‌های مخالفان خود هستند.

یکی از منابع شیعیان در نظام آموزشی، سنت و سیره‌ی امامان شیعه (ع) است. بر اساس عقیده‌ی شیعه، ائمه‌ی اطهار (ع) جانشینان حقیقی پیامبر، منصوب از طرف خدا، مفسران آیات الهی و سنت نبوی و عالم به دین بوده و سخنانشان حجت شرعی و اطاعت از آنان همانند اطاعت از رسول خدا (ص) واجب است. پشتوانه‌ی حجیت و مرجعیت سیره‌ی ائمه‌ی اطهار (ع)، علاوه بر ادله‌ی عقلی، ادله‌ی نقلی نیز هست. اهل بیت (ع) تأکید داشتند تا شیعیان برای ماندگاری و حیات علمی و فکری خویش به سیره تمسک کنند (حر عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۱۸/۲۳، ۶۱). امام صادق (ع) در این باره به‌صراحت به اصحاب خود دستور داد: «با بهره‌گیری از سخن من، با مردم احتجاج کنید؛ پس اگر با شما احتجاج کردند، من مورد احتجاج هستم و نه شما» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۴ ق: ۴۳).

شیعیان بر این باورند که داشتن علم الهی یکی از شئون امامت است. به‌عبارت‌دیگر، امام عالم به شریعت می‌تواند قرآن را تفسیر و نیازهای فقهی و دینی مردم را بیان کند، تا جامعه دچار تحیر نشود (مفید، المقنعه، ۱۴۱۳ ق: ۳۲؛ همو، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ ق: ۶۵). لذا کسی غیر از ایشان صلاحیت پاسخگویی به نیازهای علمی جامعه را ندارد. بنابراین، تمیز دهنده بین شیعه و دیگر فرق، علم الهی امام است، و با اثبات علم امام، اطاعت از وی نیز واجب است. مؤید این سخن گزارشی است که در آن آمده است که ابو خالد کابلی مدتی در خدمت محمد حنفیه کسب علم می‌کرد، تا او را به حرمت پیامبر (ص) و امیر مؤمنان علی (ع) قسم می‌دهد که آیا تو امام مفترض الطاعه بر خلق هستی؟ محمد در پاسخ گفت: به امر عظیمی من را سوگند دادی، بدان که امام بر من و بر تو و بر هر مسلمانی علی بن حسین (ع) است. سپس ابو خالد به سراغ امام سجّاد (ع) رفت و با دیدن معجزه‌ای از علم الهی ایشان به مذهب تشیع درآمد (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۱/۳۳۶).

یکی از راه‌های دریافت علم مخصوص امامت، علمی است که خداوند به آنان اعطا می‌کند. چنانکه امام باقر (ع) می‌فرماید: «خداوند از طریق جبرئیل علم را به علی بن ابی طالب

(ع) اعطا کرده است» (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۳۶۰). از دیگر منابع علم ائمه‌ی اطهار (ع) دانش رسول خدا (ص) است. آنجا که رسول خدا (ص) درباره‌ی علم علی (ع) فرمودند: «خدا دانش و فهم من را به ایشان بخشیده است» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش: ۵۵۸/۲). امیرمؤمنان علی (ع) نیز در خصوص یادگیری علم از رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «رسول خدا (ص) هزار حدیث به من آموخت که هر حدیث از آن هزار باب را می‌گشود» (صفار، ۱۴۰۴ ق: ۳۱۳/۱). بر همین اساس، شیعیانی چون زحرین قیس ملاک بیعت خویش با امیرمؤمنان (ع) را علم وی می‌دانستند (منقری، ۱۴۰۴ ق: ص ۱۷).

بر اساس روایات شیعه، ائمه‌ی اطهار (ع) عالم به علم دین، فقه، کلام (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۶۹/۱ و ۱۷۰)، سیاست (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲۰۲/۱)، علم منایا و بلایا (همان، ۲۲۳/۱)، علم آسمان و زمین (همان، ۲۶۱/۱)، علم به اسامی شیعیان، دانش انساب و آگاه از علوم انبیاء و فرشتگان (همان، ۲۲۳/۱)، و علم غیب، هستند. آنان در تولید علم دینی نقش تأسیسی داشته و بنیان‌گذار علوم زیادی هستند. علوم آنان منحصر به حوزه‌ی علوم دینی نبوده و در حوزه‌ی علوم طبیعی نیز صاحب‌نظر بودند، برخی از شیعیان از جمله محمدبن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۳۹۲)، عبدالعزیز بن یحیی بن عیسی جلودی آزدی (م ۳۳۲ ق) (همان، ۲۴۰) و علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی (م ۳۲۶ ق) (همان، ۳۶۲) به شیوه‌ی روایی به تنظیم کتاب طب پرداختند، و یا جابر بن حیان که متخصص در دانش شیمی است، خود را از شاگردان امام صادق (ع) می‌داند (بسطام، ۱۴۲۷ ق: ص ۳۱۵).

امام باقر (ع) درباره‌ی کیفیت علم ائمه (ع) خطاب به سلمه بن کُهل و حکم بن عُینه فرمودند: «به شرق و غرب عالم بروید جز علم ما علم صحیحی نمی‌یابید» (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۴۰۹/۲). در خطاب به جماعتی از مردم کوفه فرمودند: «تعجب دارم از مردمی که همه دینشان را از رسول خدا (ص) می‌گیرند و به آن عمل می‌کنند و هدایت می‌یابند، و روایت می‌کنند که اهل بیت (ع) وی دارای علم رسول خدا (ص) نیستند! ما اهل بیت پیامبر و ذریه‌ی او هستیم؛ در خانه‌های ما وحی نازل شد و علم از جانب ما برای آنان صادر شده است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۹۸/۱). امام صادق (ع) نیز خطاب به شیعیان فرمودند: «ای شیعیان، بر شما باد که آثار و سنن رسول خدا (ص) و احادیث ائمه (ع) هدایتگر را از اهل بیت (ع) بگیرید» (همان، ۵/۸).

بر این اساس، غیر شیعه‌ی نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۳۲۴) و شیعیان در زمانی که با مسئله‌ای روبرو شده و پاسخ آن را نمی‌دانستند به امامان خود رجوع و با آنان در میان می‌گذاشتند (مفید، تصحیح الاعتقادات، ۱۴۱۳ ق: ۴۴/۱). هشام بن حکم (م ۱۷۹ ق) در برابر اشکالات و شبهات ابوالهذیل (م ۲۲۶ ق)، شرط را بر این گذاشت که اگر پاسخ سؤال‌های خویش را ندانست به امام خویش (امام صادق (ع)) مراجعه کند (همان). نیز گاهی علمای ادیان و مذاهب دیگر به دلیل آن که کسی نمی‌توانست به سؤال‌های آنان پاسخ دهد، به امامان شیعه و شیعیان مراجعه می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ص ۲۷۱).

سنت و سیره و مرجعیت علمی ائمه‌ی اطهار (ع) زمینه‌ای را ایجاد کرد که شیعیان با توجه به آن به تولید علم و آموزش می‌پرداختند. بنابراین، در راستای همین هدف امام صادق (ع) به شاگردان خود سفارش می‌کردند که اصول و قواعد کلی اجتهاد را بیاموزند و به جستجو و تحقیق در فروع پردازند (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق: ۵۷۵/۳). نتیجه این تلاش، شکل‌گیری و توسعه‌ی علوم گردید؛ آنجا که جناب عمّار (م ۳۷ ق) خطاب به عثمان (م ۳۵ ق) گفت: من با حُجّت سخن می‌گویم و به سنت پایبند هستم. معلّم من [علی] این مطالب را به من تعلیم داده و من را از گزند تو حفظ کرده است (ثقفی، ۱۳۵۳ ش: ۴۹۸/۲). یا هشام بن حکم از سنت و سیره‌ی علمی امام صادق (ع) روش مناظره با مخالفان را استخراج کرد (مسعودی، ۱۴۰۹ ق: ۱۰۵/۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۷۰/۱).

وضعیت تشیع در بغداد در عصر کاظمین (علیهم‌السلام). از زمان امام جعفر صادق (ع) به بعد تعدادی از ائمه (ع) به بغداد آمدند. از جمله امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) چندی در آن شهر توقف کرده و سرانجام در همان شهر به شهادت رسیدند و مرقد آنان در کاظمین فعلی قرار دارد. وجود نمادهای شیعی چون قبر امامین کاظمین (ع) و مسجد بُرّاثا در شهر بغداد یکی از زمینه‌های اصلی تجمع شیعیان در بغداد بود.

عامل دیگر ماندگاری تشیع در بغداد، نفوذ تعدادی از شیعیان همانند حسین بن علی بن ابی‌العبّاس ابو‌عبدالله نوبختی و علی بن یقطین اسدی (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۳۶/۴۸) در دستگاه دولت عباسی برای حمایت از آنان بود. در گزارشی پیرامون استقرار شیعیان در بغداد و ظهور و بروز نمادهای شیعه که بیان حضور فعال آنان است چنین می‌خوانیم: «مسجد دارالمسیب

از جمله مساجد بغداد بوده و امام جواد (ع) نماز مغرب را در همین مسجد اقامه کرد و قنوت را طبق نظر اهل بیت (ع) قبل از رکوع بجا آورد. مسجد دیگر بُراثا است. شیعیان نسبت به مسجد بازار بُراثا یا عتیقه به دیده تقدیس می‌نگریسته و آن مسجد را مورد تعظیم قرار می‌دادند و به گمان آنان، امیر مؤمنان علی (ع) در آن مسجد نماز گزارده است» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق: ۱/۱۲۵).

با توجه به حضور فعال شیعیان، دستگاه دولت عباسی از حضور این قشر در بغداد زیاد خرسند نبود و در صدد حذف آنان بود؛ زیرا وجود شیعیان در این شهر مانع بزرگی برای کام روایی عباسیان بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۰ ش: ۲۲۱). بیشتر جمعیت بغداد که سنی بودند در بخش شرقی آن زندگی می‌کردند، اما بخشی از شیعیان هم در این قسمت از شهر ساکن بودند. قسمت غربی بغداد که شامل محله‌ی کرخ بغداد بود و قدمت زیادی داشت مرکز تجمع بیشتر شیعیان بغداد بود.

اشاراتی که مورخان به شورش‌ها و اتفاقات اجتماعی محله‌های بغداد ارائه می‌دهند، می‌توان دریافت که بغداد دارای محله‌های چون کرخ، بُراثا، نهر الطابق در غرب بغداد و محله‌های سوق السلاح، باب الطاق، سوق یحیی، سوق الطابین، سوق الثلاثاء، سوق الاساکفه و اهل درب سلیمان در شرق بغداد بوده است. برخی از این محلات، مکان حضور تعدادی از شیعیان بوده و بعضی از محلات به‌طور کلی شیعه‌نشین بوده است؛ چنانکه در گزارشی می‌خوانیم: «در محله‌ی کرخ در کوچه برکه زلزله‌ای از شیعیان زندگی می‌کردند» (مقدسی، ۱۴۱۱ ق: ۱/۱۷۴). محله‌ی کرخ بغداد نیز پس از پیوستن به بغداد یکی از محله‌های بزرگ شیعه‌نشین این شهر شد.

گونه‌های فعالیت آموزشی امام کاظم (ع). بعد از شهادت امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) بر اساس نصّ به امامت امت رسید. ایشان برای ادامه مسیر حرکت نظام آموزشی شیعه، فعالیت خود را در همان مدینه برای حفظ دین و فقاها ادامه داد (ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۱۵/۲۹۱). در عصر امام کاظم (ع) مبارزه با علویان (مفید، الإرشاد، ۱۴۱۳ ق: ۲/۲۲۱) از سوی حاکمیت ادامه داشت و برخی از شیعیان به شهادت رسیدند (ابوالفرج اصفهانی، [بی‌تا]: ۳۹۹-۳۸۸). عباسیان نمی‌توانستند تشکلی به نام شیعه را با رهبری امام معصوم بپذیرند (جعفریان، ۱۳۸۱

ش: ۳۸۵)، لذا هارون دستور داد تا اکثر علویان ساکن در بغداد را به مدینه تبعید کنند (طبری، ۱۳۸۷ ق: ۲۳۵/۸). طبق گزارش ابوالفرج اصفهانی، شش نفر دیگر از بزرگان بنی‌هاشم از جمله یحیی بن عبدالله را، درحالی که به وی امان‌نامه داده بود، به شهادت رساند (ابوالفرج اصفهانی، [بی تا]: ۳۹۹، ۳۸۸). و بعدها نیز دستور زندانی کردن امام را صادر کرد (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ق: ۷۳/۱). از این به بعد بود که امام از طریق مکاتبه به فعالیت آموزشی خویش ادامه داد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۱۳/۱).

آسیب‌شناسی و مبارزه با جریان‌های علمی و فکری. یکی از فعالیت‌های علمی و آموزشی امام کاظم (ع)، آسیب‌شناسی و برداشتن موانع حرکت نظام آموزشی شیعه بود. در آغاز امامت امام کاظم (ع)، گروه‌های مختلف همانند: اهل رأی، معتزله، مرجئه، قدریه، زیدیه فعالیت آموزشی و تبلیغی داشتند و مردم را به خود دعوت می‌کردند. تأثیرات این تبلیغات آن‌چنان بود که زمانی بعد از شهادت امام صادق (ع) برخی از شیعیان همانند: هشام بن سالم و مؤمن الطاق قبل از آشنایی با امام کاظم (ع)، به سراغ برخی از این گروه‌ها رفتند (مفید، الإرشاد، ۱۴۱۳ ق: ۲۲۱/۲)، اما با فعالیت‌های آموزشی امام در بطلان عقاید آنان از جمله مرجئه (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۹/۲)، انتقال آموزه‌های صحیح و قدرت پاسخگویی به سؤال‌های شیعیان، بیشتر شیعیان امامت ایشان را پذیرفتند (نوبختی، ۱۴۰۴ ق: ۷۹).

این گروه‌ها فعالانه و با حمایت حاکمیت به تبلیغ آموزه‌های خود می‌پرداختند. جریان اهل حدیث، با حمایت هارون الرشید در برگزاری کرسی درس و همگانی کردن آن (غزالی، [بی تا]: ۳۴/۱)، تلاش داشت تا ملاک درک آموزه‌ها را تمسک به ظاهر آیات و روایات و بهره‌گیری از قیاس قرار دهد و عقل‌گرایی را از دور خارج کند. امام کاظم (ع) نیز این افکار را رصد می‌کرد و به نقد قیاس (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۷/۱)، عقاید اهل حدیث و معتزله در مباحث کلامی به‌ویژه درباره‌ی توحید (همان، ج ۱، ص ۱۲۵)، جبرگرایی و اختیارگرایی محض (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۳۵۶) پرداخته و در پاسخ سؤال شیعیان درباره‌ی توحید و صفات خدا، آنان را به قرآن ارجاع می‌داد (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۲۳۹/۱۱). و زمانی که خود می‌خواست صفات خدا را برشمرد، تنها از مضامین قرآن بهره می‌گرفت. (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۷۶) وی با

انتشار رساله‌ای خطاب به هشام بن حکم به تفصیل درباره‌ی عقل و نقش آن در زندگی پرداخت (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۳/۱)، تا از این طریق فعالیت مخالفان را خنثی کند.

امام کاظم (ع) تلاش در ابعاد مختلف آموزشی حتی آموزش اخلاق و تربیت اخلاقی تلاش می‌کرد تا شیعیان از دیگر فرقه‌ها و گروه‌های فکری به تبلیغ عقاید خود مشغول بودند، متمایز گردند. امام (ع) برای رسیدن به این هدف به شیعیان خود سفارش می‌کرده تا ظاهری آراسته و مرتب داشته باشند و شخصیت اجتماعی خود را حفظ نمایند. روزی آن حضرت، یکی از شیعیان خود را دید که ماهی‌ای در دست گرفته، راه می‌رود. خطاب به او فرمود: «شما گروهی هستید که دشمنان زیادی دارید؛ پس هر چه می‌توانید ظاهری آراسته داشته باشید» (همان، ۴۸۰/۶).

تبیین مرجعیت علمی ائمه‌ی اطهار (ع). یکی دیگر از اقدامات اساسی امام موسی بن جعفر (ع) در راستای توسعه‌ی کمی و کیفی نظام آموزشی شیعه ترویج دانش‌اندوزی و تأکید بر کسب علم از عالم ربّانی بود (همان، ۳۹/۱)، و به طالبان علم تأکید داشتند که در اخذ علم صحیح، آن را با کتاب خدا و احادیث اهل بیت (ع) قیاس کنند. اگر آن‌ها موافق قرآن و احادیث ما بود حقّ است، و در غیر این صورت، باطل و نادرست است. ایشان تأکید داشتند که به هیچ رو نمی‌شود معارف اصیل دینی را از غیر امامیه گرفت؛ زیرا عامّه به دلیل دوری گزیدن از کتاب خدا و سنت پیامبر، عمل به امیال نفسانی و یا آرای خود (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۱۵۶/۱۱) می‌کردند. مؤید این ادّعا، توصیه‌ی امام کاظم به علی بن سوندد سائی است. ابن سوید می‌گوید: «زمانی که امام هفتم (ع) در زندان بود، در پاسخ نامه‌ی من نوشت: ای علی، آنچه درباره‌ی فراگیری معارف و اصول دینت نوشته‌ای که از چه کسی آن را دریافت کنی، آن‌ها را از غیر شیعیان مانگیر، چرا که اگر از غیر آنان فراگرفتی، دینت را از خائنانی گرفته‌ای که به کتاب خدا، رسول او و امانات او خیانت کردند. آنان درباره‌ی کتاب خدا مورد اعتماد قرار گرفتند، اما قرآن را تحریف و تبدیل کردند. لعنت خدا، رسول او، ملائکه و شیعیان تا روز قیامت بر آنان باد» (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۷/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۲۶/۸ - ۱۲۴).

تربیت شاگردان. نتیجه‌ی تلاش‌های علمی و آموزشی امام کاظم (ع) در مدیریت شیعه آن‌چنان بود که ذهبی درباره‌ی اولویت امام کاظم (ع) می‌نویسد: «کبیرالقدر، جیدالعلم، اُولی بالخلافه منهارون» (ذهبی، ۱۴۱۳ ق: ۱۲۰/۱۳). ایشان در آن شرایط سیاسی، فکری و بحران‌ها تلاش داشت تا به بیان آموزه‌های شیعی، دفاع از آن‌ها و تربیت شاگردان بپردازد. یکی از کارهای اساسی امام کاظم (ع) تربیت شاگردان برجسته‌ای همانند: یونس بن عبدالرحمن، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی‌عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب، احمد بن محمد بن ابی‌نصر، علی بن یقطین و حسن بن علی بن فضال، در علم و فقهت (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۸۳۰/۲) و اجتهاد بود که با یادگیری آموزه‌ها به نگارش آن‌ها برای حراست از مذهب تشیع پرداختند. آنان در آستین‌های خود تخته‌های آبنوس بسیار نازک با قلم داشتند، و مجموعه‌هایی از گفتارها و فتوای ایشان تهیه می‌کردند (طاووس، ۱۴۱۱ ق: ۲۱۹). نیز اسماعیل بن موسی بن جعفر کتابی به نقل از امام کاظم که مشتمل بر احادیث نبوی است منتشر کرد (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ص ۲۶).

رصد دیدگاه‌های علمی و آموزشی مخالفان. امام کاظم (ع) به رصد آموزه‌های عامه و عرضه‌ی آن برای ارزیابی صحت و سقم متون آموزشی اهتمام داشت. ایشان برای نشان دادن قوت و درستی محتوای نظام آموزشی امامیه، به یکی از اصحاب خود فرمودند: «فقه و حدیث را بیاموز. او پرسید از چه کسی؟ فرمود: علوم را از فقهای اهل مدینه بیاموز و سپس حدیث آنان را بر من عرضه کن. او رفت و احادیثی نوشت سپس برای امام خواند. امام همه را رد کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۵۳/۱). در گزارش دیگری، امام کاظم به محمد بن حکیم فرمودند: «در مسجد رسول خدا (ص) با مردم بنشین و با آنان به گفتگو بپرداز. چون وی باز می‌گشت حضرت درباره‌ی سخنانش از او سؤال می‌کردند که چه گفتی و آنان چه گفتند؟» (همان، ج ۲، ص ۷۴۶).

شیعیان با عنایت به مدیریت امام کاظم به کم و کیف نظام آموزشی یاری کردند. گاهی شیعیان با پیگیری افکار و یا روش‌های آموزشی موجود همانند قیاس، برای دریافت پاسخ مناسب به سراغ امام می‌آمدند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۷/۱) و گاهی امام، شیعیان را به سمت رصد اوضاع فکری، علمی و آموزشی سوق می‌داد و از آنان درخواست می‌کرد تا در برابر

وضعیت موجود فعالیت متناسبی را انجام دهند. از هشام بن سالم نقل شده است که امام کاظم (ع) فرمودند: «به هشام بن حکم بگویند چیزی درباره‌ی باورهای قدریه- و نقد آن- بنویسد و برای من بفرستد. هشام آن را نوشت و خدمت امام عرضه کرد و امام فرمودند: همه چیز در آن آمده است» (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۵۴۳/۲).

در عصر امام کاظم (ع) دانشمندان شیعه برای بهره‌گیری از علوم و آگاهی و نقد دیدگاه‌های اهل سنت، گاهی در جلسات درس آنان شرکت می‌کردند؛ حارث بن محمد کوفی مدّتی در محفل درس محمد بن حسن شیبانی شرکت کرد. شیبانی حارث را در علم می‌ستود و بر آن که چنین کسی شیعه بوده تأسف می‌خورد (عسقلانی، ۱۳۹۰ ق: ۱۵۹/۲).

طراحی سازمان و کالت. موضوع سازمان و کالت در عصر ائمه‌ی اطهار (ع) از مباحث اساسی در شناخت ابعاد حیات آنان است. امامان شیعه با لحاظ کردن ضرورت‌ها، اقدام به ایجاد سازمانی نمودند که به وسیله‌ی آن بتوانند با سهولت بیش‌تری با شیعیان خود در دورترین نقاط عالم اسلامی ارتباط داشته باشند، و شیعیان نیز از این سازمان ارتباطی مطمئن، بتوانند سؤال‌های شرعی خود را به دست آورند. این تشکیلات که از عصر امام صادق (ع) به بعد آغاز به کار نمود، و در زمان امام کاظم (ع) قوام رسمی پیدا کرد. در عصر امام کاظم (ع) به دلیل وضعیت سیاسی و اجتماعی و دوری راه شیعیان نسبت به مراکز علمی، سازمان و کالت در راستای ترویج حدیث و کلام ائمه و رسیدگی به امور زندگی شیعیان در دستور کار قرار گرفت و توانست از این طریق وظیفه‌ی نظام آموزشی را در پاسخ‌گویی به نیازهای دینی شیعیان انجام دهد (نگر: جباری، ۱۳۸۲ ش). مفضل بن عمر جعفی، عبدالرحمن بن حجاج، عبدالله بن جنبد، علی بن یقطین، اسامه بن حفص، ابراهیم بن سلام نیشابوری، یونس بن یعقوب، اعلی بن ابی حمزه بطائنی، زیاد بن مروان قندی، احمد بن ابی بشر سراج، عثمان بن عیسی رواسی، منصور بن یونس بزرج و حیّان سراج از وکلای امام کاظم (ع) بودند.

گونه‌های فعالیت آموزشی شیعیان امامیه از قرار زیر است:

برقراری کرسی درس. شیعیان با برقراری کرسی درس به‌ویژه در کوفه (طوسی، ۱۴۰۹

ق: ۷۴۵/۲) خود را به‌عنوان نماینده‌ی مکتب امیرمؤمنان علی (ع) حفظ کرده و باورهای

شیعی را به مردم آموزش می‌دادند؛ هشام بن حکم و سماعه در این عرصه فعال بودند. هشام رئیس متکلمان در مجالس مناظره بود (ابن ندیم بغدادی، ۱۳۵۱ ش: ۲۳۳) و شاگردانی چون محمد بن خلیل سگاک را تربیت کرد که توانست درباره‌ی امامت، توحید و ردّ بر عقیده تشبیه آثاری را تألیف کند (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۳۲۹). شیخ مفید نیز درباره‌ی سماعه می‌نویسد: «وی در زمره‌ی فقهای بزرگی است که مردم مسائل حلال و حرام، فتوا و احکام دین را از وی اخذ می‌کردند و آثاری را تألیف کرد» (مفید، جوابات أهل الموصل، ۱۴۱۳ ق: ۲۵). محمد بن حکیم نیز از کسانی بود که به دستور امام کرسی درس فعالی داشت. (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۷۴۶/۲) ابان بن عثمان در کوفه و بصره کرسی درس داشت و مردم احادیثی از وی یاد گرفتند و حکایت‌های فراوانی در اخبار شاعران و روزگاران و نسب از وی نقل کردند (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۱۳).

آنان برای پاسخ‌گویی، کیفیت تدریس خود را با امام کاظم (ع) در میان می‌گذاشتند؛ زیرا خطر نفوذ روش قیاس در استنباط فقهی برخی از شیعیان همانند سماعه را تحدید کرد و امام ابوحنیفه را که مبدع آن بود، لعن می‌کرد (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۱/۲۱۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۶/۱). از این رو، سماعه بن مهران با مراجعه به امام (ع) پرسید: «گاهی پاسخ مسئله کوچکی را نمی‌دانیم، اما با مشابه آن (قیاس) می‌توان فتوا دهیم. امام فرمود: رسول خدا با آنچه آورده است، نیازهای (فقهی) مردم زمان خویش و پس از خود را تا روز قیامت، برطرف ساخته است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۷/۱).

مراجعه عموم مردم به دانشمندان و عالمان شیعی به فرهنگ عمومی تبدیل شد و جایگزین مراجعه‌ی مستقیم با امام گردید. در این دوره سؤال‌های مردم از امام معصوم (ع) سؤال‌های فنی، تخصصی و فقیهانه بود و از حالت سؤال‌های شخصی خارج شد. لذا مجموعه‌ی کتاب‌های با عنوان المسائل (عریضی، ۱۴۰۹ ق: ۶۶) در این دوره پدید آمد که برگرفته از این سؤال‌ها بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش: ۲۵۵/۱).

مباحثه علمی. یکی دیگر از فعالیت‌های شیعیان در این دوره، مباحثه‌ی علمی بود، لذا گاهی مباحثاتی که به صورت جمعی بین هشام بن حکم، هشام بن سالم، عبدالرحمن بن حجاج،

ابن ابی عمیر و گروه دیگری از شیعیان در موضوعات کلامی برقرار می‌گردید و توان حل آن را نداشتند، در نهایت برای حل مسئله به امام کاظم (ع) مراجعه کردند (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۵۶۴/۲).

در یک جمع‌بندی درباره فعالیت‌های آموزشی امام کاظم (ع) و شیعیان امامیه، می‌توان گفت: با وجود همه محدودیت‌ها، آنان از ظرفیت‌های مختلف از جمله سازمان و کالت، بهره برده و سبب شد تا بنیاد فکری شیعه به‌دوراز تحریف، باقی بماند و در بین مردم فقه و کلام شیعه شهرت خود را حفظ کند. چنانکه خلیفه عباسی در اعتراف به اعلیّت امام کاظم (ع) در پاسخ به مسائل فقهی، اعتراف کرد که چنین فتوایی، فتوای هاشمی است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۴۰۶/۶).

گونه‌های فعالیت آموزشی امام جواد (ع). با شهادت امام رضا (ع)، امام جواد (ع) مدیریت نظام آموزشی شیعه را ادامه داد. ایشان در همان آغاز امامت و کمی سن، با ارائه‌ی توان علمی، شیعیان را برای پذیرش ولایتش آماده کرد (طبری، ۱۴۱۳ ق: ۳۸۸) و آنان را از جذب در گروه‌های دیگر بر حذر داشت؛ زیرا شیعیان معتقد بودند که وجه الهی ائمه‌ی اطهار (ع) در قالب علم و دانش تجلی پیدا می‌کند (جعفریان، ۱۳۸۱ ش: ۴۷۴). بنابراین، شیعیان از مناطق مختلف به محضر امام حضور پیدا کرده (طبری، ۱۴۱۳ ق: ۳۸۸) و اصرار داشتند تا از طریق سنجش توان امام در دانش، امامت وی را بپذیرند.

آسیب‌شناسی و مبارزه با جریان‌های علمی و فکری. امام جواد (ع) با توجه به حمایت خلفا از عالمان عامّه و فعالیت‌های علمی و فکری اهل حدیث، معتزله، زیدیه، غلات و واقفیه، از ظرفیت‌های مختلف از جمله سازمان و کالت، شاگردان برجسته و برقراری کرسی درس و مناظره با فقهای عامّه، برای انجام فعالیت علمی و آموزشی و جلوگیری از تجزیه شیعیان اهتمام ورزید (مفید، الإرشاد، ۱۴۱۳ ق: ۲/۲۸۳). این تلاش امام تا آنجا بود که پس‌ازاینکه مُعْتَصِم حکم امام جواد (ع) را در مقابل فقهای اهل سنت، درباره‌ی قطع نمودن دست سارق می‌پذیرد، ابن دُؤاد سنی در خلوت به او تذکر داد که چرا خلیفه نظر کسی را که نصف امت به امامت او قائل هستند را به نظر همه‌ی علمای حاضر در مجلس ترجیح می‌دهد (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۳۲۰/۱).

در عصر امام جواد (ع) به دلیل تلاش گروه‌های فکری همانند معتزله و اشاعره در آموزش عقاید، برخی از شیعیان تحت تأثیر آموزه‌های آنان قرار گرفته و بین آنان اختلاف افتاد. آنان نیز تنها مرجع نهایی در آموزه‌های دین را امام می‌دانستند؛ لذا برای دریافت پاسخ مناسب به محضر ایشان مشرف می‌شدند. امام جواد (ع) افزون بر پاسخگویی به اعتقادات ناصواب فرقه‌های مختلف از جمله اهل حدیث، شیعیان را به دلیل تأثیرپذیری از باورهای آنان به‌ویژه درباره‌ی توحید، به ترک مراوده با آنان پرهیز می‌داد (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ص ۱۰۱؛ طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۴۹۵/۲). در این دوره برداشت‌های ناصحیح از آیات الهی صورت می‌گرفت؛ از این رو ایشان با بیان روش صحیح در برداشت و تفاسیر آیات، از تفسیرهای نادرست جلوگیری می‌کرد و دانشمندان این عرصه را به‌سوی فهم صحیح آیات راهنمایی می‌کرد (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۳۱۴/۱).

تربیت شاگردان. امام جواد (ع) شیعیان و فرزندان خود را به یادگیری دانش سفارش می‌کرد و امام هادی (ع) را در خردسالی برای یادگیری خواندن و نوشتن به مکتب‌خانه فرستاد (صفار، ۱۴۰۴ ق: ۴۶۷/۱). ایشان در موقعیت‌های مختلف از جمله مدینه و هنگام اقامت در بغداد در مسجد دارالْمُسَيَّب شیعیان بغداد به برقراری کرسی درس و تبلیغ آموزه‌های دینی اهتمام داشت و شیعیان را به علم‌آموزی ترویج و از صدور فتوا بدون علم نهی می‌کرد (طبری، ۱۴۱۳ ق: ۳۹۰). وی توانست شاگردان برجسته‌ای را تربیت کند. شاگردانی که در مناطق مختلف از جمله قم، کوفه و بغداد به نقل روایات ائمه‌ی اطهار (ع) اهتمام می‌ورزیدند (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۴۰).

علی بن مهزیار و عبدالعظیم حسنی از جمله شاگردانی هستند که توانستند مکتب تشیع را به شیفتگان آن آموزش دهند. عبدالعظیم، در ری ساکن گردید و در اثر فعالیت‌های وی، تشیع در این منطقه گسترش یافت. علی بن مهزیار نیز علاوه بر نقل روایات، نشر کتاب‌های فقهی، کلامی و تاریخی مکتب تشیع را گسترش و زمینه‌گرایش علی بن اسباط به تشیع را فراهم نمود (همان، ۲۵۳-۲۵۲).

استمرار حرکت سازمان و کالت. امام جواد (ع) با تمام محدودیت‌های موجود، از طریق نصب و کلا و نمایندگان ارتباط خود را با شیعیان حفظ می‌کرد. وی در سراسر حکومت و قلمرو

خلیفه‌ی عباسی، کارگزارانی را با داشتن برنامه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی که مهم‌ترین فعالیت آنان پاسخگویی به نیازهای دینی شیعیان بود، اعزام و با فعالیت گسترده آنان، از تجزیه شیعیان جلوگیری کرد. امامیه شیعیان خود اجازه می‌داد که به درون دستگاه حکومت نفوذ کرده و مناسب حساس را نیز به دست بگیرند تا شیعیان نقطه امید پیدا کنند. از این رو بود که نوح بن دراج چندی قاضی بغداد و پس از آن قاضی کوفه گردید (همان، ص ۱۰۲). عبدالرحمن بن حجاج، زکریا بن آدم، صفوان بن یحیی، محمد بن سنان، عبدالعزیز بن مهتدی، علی بن مهزیار اهوازی، ابو عمرو حداء، صالح بن محمد بن سهل، یحیی بن عمران، ابراهیم بن محمد همدانی، علی بن ریان بن صلت قمی، محمد بن فرج و ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری از نیروهای سازمان و کالت در عصر امام جواد (ع) بودند.

گونه‌های فعالیت آموزشی شیعیان امامیه از قرار زیر است:

عرضه‌ی حدیث بر امام برای جلوگیری از تحریف. در این دوره شیعیان علی‌رغم خفقان سیاسی، متون آموزشی خود را منتشر کردند به گونه‌ای که کتاب فقهی یوم و لیله یونس بن عبدالرحمن در منزل بیشتر شیعیان وجود داشت و امام جواد (ع) نیز به مطالعه آن پرداخت (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۷۸۰/۲). شیعیان اهواز و قم با عرضه‌ی متون به امام جواد (ع) و پرسش از صحّت محتوایی آنها، تلاش کردند تا با برگزاری کرسی درس به نقل روایات کتاب‌های عالمان پیشین نیز پردازند. محمد بن حسن گوید: «به امام جواد (ع) عرض کردم فدایت شوم اساتید ما از صادقین (ع) روایاتی دارند که چون در آن زمان - به دلیل تقیه - طرح آنها کار مشکلی بود، ایشان مجبور به اخفای کتاب‌های خود بودند، در نتیجه از آنان در زمان حیاتشان روایتی نقل نگردید و چون از دنیا رفتند کتاب‌هایشان به ما رسیده است، اکنون وظیفه‌ی ما چیست؟ امام فرمود: آنها را نقل کنید که درست است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۳/۱). علی بن مهزیار اهوازی نیز به دلیل اختلاف شیعیان در کیفیت اتمام و قصر نماز در حرم مکه و مدینه (همان، ۵۲۵/۴) و مسئله وقف (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق: ۲۴۰/۴) روایات آنها را بر امام جواد (ع) عرضه کرد تا در تعلیم مردم اشتباهی مرتکب نگردد. شخصی به نام عبدالجبار بن مبارک

نهادندی نیز در سال ۲۰۹ روایتی را برای دریافت صحت و سقم آن به خدمت امام عرضه کرد و امام آن را تأیید فرمود (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۸۳۹/۲).

شیعیان و نهضت ترجمه. یکی از رویدادهای آموزشی و پژوهشی این دوره، استمرار جریان ترجمه متون بود که از عصر امویان آغاز و با تأسیس بیت‌الحکمه در بغداد توسط مأمون در سال ۲۰۴ به اوج رسید. مأمون توانست کتاب‌های زیادی در موضوعات مختلف را از روم و دیگر مناطق به سرزمین‌های اسلامی وارد کند (محمد بن ابی‌یعقوب بن ندیم، الفهرست، ص ۳۰۳). اگرچه دولت روم در آغاز با این اقدام موافقت نمی‌کرد، اما به پیشنهاد یکی از راهبان با این انتقال موافقت شد و خطاب به حاکم روم گفت: «آن‌ها را بفرست که به نفعت و است، چرا که این کتاب‌ها در میان هر اُمّتی که نفوذ کنند، ارکان آن اُمّت متزلزل می‌گردد» (قفطی، [بی تا]: ۲۴-۲۳).

تأثیرات نهضت ترجمه می‌تواند مستقیم و یا غیرمستقیم باشد. این تأثیرات در جهان اهل سنت به‌ویژه معتزله به دلیل قائل بودن به انقطاع و انسداد از وحی، می‌توانست اتفاق بیفتد و موجب تغییر نگرش آنان درباره‌ی مباحث اعتقادی گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶ ش: ۴۲۹/۱-۴۲۸). به نظر می‌رسد که مأمون تحت تأثیر فلسفه‌ی یونان که علوم عقلی را ترویج می‌کرد، از اهل حدیث بیزاری جست (طبری، ۱۳۸۷ ق: ۶۳۲/۸) و به معتزله گرایش پیدا کرده بود و شاگردی اساتیدی چون ابوهدیل غلّاف (م ۲۲۶ ق) را پذیرفت (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸ ش: ۴۰۱)؛ غلّاف دارای عقایدی انحرافی در باب توحید بود (شهرستانی، ۱۳۹۶ ق: ۱۸۵-۱۸۵) که برخی او را تکفیر کرده‌اند (عبدالقاهر بغدادی، ۱۴۱۷ ق: ۱۱۹).

اکنون ممکن است این سؤال در ذهن تداعی گردد که با توجه به مفسد بیت‌الحکمه و جریان ترجمه در جامعه اسلامی، آیا شیعیان و امامان آنان در برابر این رویداد تاریخی و تمدنی اقدامی عملی و نظری انجام داده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال لازم است چند نکته بیان گردد. نخست آن که باید بررسی کرد که در جریان ترجمه چه علوم زیان‌باری وارد سرزمین‌های اسلامی گردید؟ هدف از آنچه بوده است؟ آیا این علوم تأثیرات منفی در روند فعالیت آموزشی شیعیان نیز داشته‌اند؟

در پاسخ به این سؤال‌ها می‌توان گفت: افزون بر جمع‌آوری تاریخ عرب، انتقال و ترجمه علوم به زبان‌های مختلف در زمینه‌ی ریاضیات، نجوم، فلسفه (مسعودی، ۱۴۰۹ ق: ۲۲۳/۴)، منطق، طب، آیین‌اداری، ادبی، نجوم، مهندسی و هنر بود (ناجی، ۱۳۹۰ ش: ۱۰۴). بررسی و تشخیص تأثیر زیان هر آنچه از علوم که ترجمه گردید، کار دشواری است؛ اما به نظر می‌رسد که برخی از علوم همانند: فلسفه و منطق می‌توانست تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی در مبانی و فرآیند آموزش و پژوهش داشته باشد. در یک تحلیل می‌توان گفت: هدف آنان می‌توانست رشد و توسعه ابعاد مختلف تمدن در سرزمین‌های اسلامی باشد و یا توسعه‌ی نظام فکری و آموزشی و توجه دادن عموم مردم به این فعالیت‌ها باشد تا ذهن مردم را از رجوع به نظام آموزشی و فکری اهل‌بیت (ع) بازدارند و به عبارت دیگر بیت‌الحکمه بدیل ائمه‌ی اطهار (ع) گردد.

به نظر می‌رسد که در صورت صحت این نظریه، شیعیان با یاری رهبری امامان خود، به رصد احوال علمی و آموزشی پرداخته و بخشی از این علوم را که می‌توانست خطر ساز باشد، خنثی می‌کردند. آنان فعالانه وارد این عرصه شده و با مرجع قرار دادن امام در نظام آموزشی و پژوهشی، پاسخ سؤال‌ها و شبهات خود را از آنان دریافت می‌کردند. ائمه‌ی اطهار (ع) نیز با صدور روایات آن‌هم ناظر به جریان‌های حاکم فعالانه برخورد کرده و از انحراف شیعیان جلوگیری می‌کردند. کار دیگر اهل‌بیت (ع) تربیت شاگردانی بود که از طریق آنان نظام فکری شیعه به مردم آموزش داده شود. آنان در حالت تدافعی توان نظام آموزش و پژوهش شیعه را به نمایش می‌گذاشتند. شیعیان برای رفع تأثیرات جریان ترجمه و ابطال عقیده‌ی آنان به نهضت ردیه نویسی اهتمام ورزیدند. چنان‌که هشام بن حکم (م ۱۷۹ ق) علاوه بر مناظره با ابو‌هذیل علاّف (م ۲۲۶ ق) و عبید (م ۱۴۴ ق) معتزلی (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۲/ ۵۵۰) ردیه‌هایی نیز بر زنادقه، اصحاب اثین، معتزله، و آثار ارسطاطالیس درباره توحید نگاشت (همان، ص ۴۳۳). هشام در نقد ارسطاطالیس دیدگاه فلسفه‌ی یونان درباره توحید و در نقد معتزله روش فکری آنان را درباره‌ی مباحث اعتقادی نقد کرد. فضل بن شاذان و علی بن محمد بن فسانجس نیز از کسانی بودند که ردیه‌هایی بر فلسفه (همان، ۳۰۷) و منطق - وارداتی یونان - نوشتند (همان، ۲۶۹).

در جمع‌بندی از وضعیت آموزشی شیعه در این عصر می‌توان گفت: همچنان جلسات درس و تدوین آثار علمی برقرار بود و نهضت ترجمه با تأسیس بیت‌الحکمه نتوانست خللی در روند فعالیت آموزشی شیعیان ایجاد کند. به نظر می‌رسد که اگر هم تأثیری در تغییر عقیده مردم نسبت به مذاهب عامه بوده ناشی از تبلیغ شدید آنان با حمایت دستگاه حکومتی، فشار سیاسی بر فعالیت شیعیان و دوری شیعیان از دسترسی آسان به اهل بیت (ع) و دانشمندان شیعه بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

ضرورت حفظ و انتقال آموزه‌های صحیح اسلام توسط مریبان آگاه به دین و مبارزه با جریان‌ها و آسیب‌های حرکت علمی مخالفان شیعه که توسط حاکمیت حمایت می‌گردید، از زمینه‌هایی بود که امامین کاظمین (ع) و شیعیان آنان را بر آن داشت تا جریان علمی و آموزشی شیعه را فعال نگه داشته و از این طریق افزون بر حراست از میراث شیعه، هدایت دینی مردم، تمییز شیعه از دیگران، تمدن اسلامی را نیز توسعه دهند. آنان توانستند فقه و کلام شیعه را زنده نگه داشته و از طریق آن بتوانند هویت شیعه را از دیگران متمایز کنند.

منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴ ق). شرح نهج‌البلاغه. قم: مرعشی النجفی.
- ابن ادريس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات). قم: جامعه‌ی مدرسین.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۸ ق). التوحید. قم: جامعه‌ی مدرسین.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۶۲ ش). الخصال. قم: جامعه‌ی مدرسین.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۴ ق). اعتقادات الامامیه. قم: کنگره.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۸ ق). عیون أخبار الرضا (ع). تهران: جهان.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۴ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه‌ی مدرسین.

- ابن بسطام، حسین (۱۴۲۷ ق). *طب الائمه* (ع). قم: ذوی القربی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۹۰ ق). *لسان المیزان*. بیروت: نشر الاعملى للمطبوعات.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ ق). *مهج الدعوات و منهج العبادات*، محقق / مصحح: کرمانی، ابوطالب و محرّر، محمد حسن. قم: دار الذخائر.
- ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۱ ش). *الفهرست*. تصحیح مرحوم تجدد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی تا). *مقاتل الطالبین*. بیروت: دارالمعرفه.
- ابوحنیفه دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸ ش). *الأخبار الطوال*. تحقیق عبدالمنعم عامر. قم: منشورات الرضی.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد (۱۴۱۰ ق). *غررالحکم و درر الکلم*. قم: دارالکتاب الإسلامی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق). *المحاسن*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بغدادی، عبدالقاهر (۱۴۱۷ ق). *الفرق بین الفرق*. بیروت: دارالمعرفه.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳ ش). *الغارات*. تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی. تهران: انجمن آثار ملی.
- جباری، محمد رضا (۱۳۸۲ ش). *سازمان و کالت*. قم: مؤسسه‌ی امام خمینی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱ ش). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه* (ع). قم: انصاریان.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۳ ق). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ ق). *تاریخ بغداد*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ ق). *سیر اعلام النبلاء*. تحقیق حسین اسد. بیروت: الرساله.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). *نهج البلاغه*. قم: هجرت.
- شهرستانی، عبدالکریم بن ابی بکر (۱۳۹۶ ق). *الملل و النحل*. تحقیق محمد سید کیلانی. بیروت: دارالمعرفه.
- صفّار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد* (ص). قم: مرعشی نجفی.

- طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰ ش). تاریخ حدیث شیعه. تهران: سمت.
- طباطبایی، محمد بن علی (ابن طقطقی) الفخری. ترجمه‌ی محمد وحید گلپایگانی (۱۳۶۰ ش). تهران: نگاه ترجمه.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۳۸۷ ق). تاریخ الأمم و الملوک. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: طبعه الثانية، دار التراث.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ ق). دلائل الامامه. قم: بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). اختیار معرفه الرجال (رجال کشی). مشهد: دانشگاه مشهد.
- عریضی، علی بن جعفر (۱۴۰۹ ق). مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها. قم: اهل البيت (ع).
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). التفسیر. تهران: المطبعة العلمية.
- غزالی، محمد بن محمد (بی تا). احياء العلوم. قاهره.
- غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی. ترجمه‌ی نورالله کسائی (۱۳۸۸ ش). تهران: دانشگاه تهران.
- قفطی، علی بن یوسف (بی تا). اخبار العلماء بأحكام الحكماء. مصر: مطبعة السعادة.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الاطهار (ع). بیروت: دار احياء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین بن علی (۱۴۰۹ ق). مروج الذهب و معادن الجواهر. تحقیق اسعد داغر. قم: دارالهجره.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره‌ی شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق). المقنعه. قم: کنگره‌ی شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق). اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات. قم: کنگره‌ی شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق). تصحیح اعتقادات الإمامیه. قم: کنگره‌ی شیخ مفید.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ ق). *جوابات أهل الموصل في العدد و الرؤیة*. قم: کنگره شیخ مفید.

مقدسی، محمدبن أحمد (۱۴۱۱ ق). *أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم*. القاهرة: مکتبه مدبولی.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶ ش). *مجموعه‌ی آثار دوّمین کنگره‌ی جهانی امام رضا (ع): مناظرات تاریخی امام علی بن موسی الرضا (ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ ق). *وقعه صفین*. تحقیق عبدالسلام محمدهارون. القاهرة: المؤسسة العربیة الحدیثه.

ناجی، عبدالجبار، نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب. ترجمه‌ی فرزانه آجرلو، (۱۳۹۰ ش). پیام بهارستان.

نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۱۳ ق). *فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر بالرجال*. قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.

نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ ق). *فرق الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.